

اعضای یک باند چهارنفره که بازور و تهدید، اموال فروشندگان سایت دیوار را سرقت می‌کردند، بازداشت شدند.

به گزارش جام‌جم، سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت در این باره گفت: اوایل آذر امسال مردی با حضور در پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران شکایت کرد که کنسول بازی خود را در سایت دیوار آگهی کرده که چهار مرد جوان برای خرید آن به خانه‌اش آمدند و بعد از

سرقت از فروشندگان کالا در سایت دیوار

۱۴ صیاد اسیر گروه تروریستی الشباب به ایران بازگشتند

روایت دست اول از ۸ سال اسارت در سومالی

دو گروه از میادان چابهار ی که در سال های ۹۴ و ۹۹ به اسارت گروه تروریستی الشباب در سومالی درآمده بودند، سرانجام با رایزنی وزارت امورخارجه به کشور بازگشتند. این اتفاق در حالی رخ داد که

هیچکدام از اعضای خانواده میادان تصور نمی‌کردند آنها زنده باشند و مرگ شان را پذیرفته بودند. با دو نفر از میادان به نام های کاظم کلکی ۳۱ ساله و حسین بازدار، ناخدای ۳۷ ساله در حالی صحبت کردیم که سوار بر اتوبوس مسافری در حال بازگشت به چابهار و کنارک بودند.

خانواده ها فکر می‌کردند مرده ایم

آقای کلکی، امیدی به آزادی داشتید؟

نه اصلا. کاملا ناامید بودم، هنوز هم باورم نمی‌شود به ایران برگشته‌ام.

چه سالی و چطور اسیر شدید؟

ما سال ۹۴ از بندر کنارک حرکت کردیم، ۱۴ ماه بودیم که بین مان پاکستانی هم بود. برای صید ماهی به آب های بین المللی رفته بودیم که موتور لنج خراب شد و گرفتار شدیم. قبل از دستگیری، دو کشتی فرانسوی و آلمانی به ما آب و غذا دادند، اما از ترس این‌که توسط الشباب دستگیر شوند، هیچ کمک دیگری نکردند. یکی از افسران کشتی فرانسوی، ایرانی بود که با او به زبان فارسی صحبت‌کردیم. او گفت ما اختیاری نداریم و نمی‌توانیم کمک کنیم. بخشی از سومالی در اختیار دولت این‌کشور و بخشی هم در اختیار الشباب است. اصلا فکر نمی‌کردیم دستگیر شویم و متأسفانه جایی دستگیر شدیم که در اختیار الشباب بود. پس از دستگیری، ما را به ساحل و بعد هم زندان منتقل کردند. بعد از دستگیری، فقط یک بار با خانواده‌های مان تماس گرفتیم و گفتیم اسیر هستیم و بعد از آن دیگر هیچ تماسی نداشتیم. این تماس نگرفتن ها آن قدر طولانی شده‌که خانواده‌های مان فکر کردند همه مرده‌ایم. حتی مادر یکی از دوستان مان وقتی متوجه ماجرا شد، سکته کرد.

از شرایط اسارت در سومالی بگویید.

هشت سال اسیر بودیم و روزهای بسیار سختی را پشت سر گذاشتیم. از ۱۴ نفر ما، سه نفر مان به نام‌های بشیر بنگل زهی عبدالرئوف گریج و یکی دیگر به نام نظرمحمد که فامیلی‌اش یادم نیست، به دلیل ابتلا به مالاریا و بیماری گوارشی فوت شدند. بشیر حدود شش سال پیش و عبدالرئوف هم حدود دو سال پیش از دنیا رفتند. البته سومالی ها دارو دادند، اما افاقه نکرد و همگی فوت شدند. بعد از فوت هم آنها را شستیم و غسل دادیم و نماز خواندیم. خود الشباب آنها را دفن کرد. چون اهالی سومالی سپاهیوست بودند و ما سفید پوست و همین سفیدی پوست مان برای آنها مشکل ایجاد می‌کرد. هر سه مرد فوتی زن و بچه داشتند. در هر اتاق آن خانه که زندان ما بود، سه چهار نفر زندگی می‌کردیم. نه پنجره داشت، نه روشنایی و نه امکانات. غذای مان خیلی کم بود. صبح برنج ساده و عصر هم لوبیا و گندم داخل آب جوش می‌ریختند و به ما می‌دادند. می‌دانید خودشان خیلی بدبخت هستند و غذا برای خوردن هم ندارند. استفاده از دستشویی و حمام هم اختیاری نبود. روزی دو بار صبح و عصر چشم‌هایمان را می‌بستند و اجازه می‌دادند از دستشویی و حمام استفاده کنیم. هفته‌ای یک‌بار یا ۱۰ روز یک‌بار اجازه داشتیم لباس‌هایمان را بشوییم. حق حرف زدن نداشتیم و اگر اعتراض می‌کردیم، با زنجیر

بررسی اولیه کنسول، یکبار به ایجاد رعب و وحشت و ضرب و جرح با قمه و شوکر، این دستگاه را به سرقت بردند.

وی افزود: در ادامه افراد دیگری هم در پلیس آگاهی، شکایت‌های مشابهی مطرح کردند که معلوم شد همان سارقان فراری در این سرقت‌ها نقش داشته و گوشی تلفن همراه، کنسول بازی و چرخ‌گوشت را سرقت و با سوار شدن به خودرو پراید متواری شدند.

وی افزود: در جریان تحقیقات پلیسی رد آنها در جنوب تهران به دست آمد و مأموران متوجه شدند متهمان سابقه‌دار هستند و یکی از سارقان به اتهام حمل مواد مخدر در زندان است. او در آنجا شناسایی و سه همدستش هم در عملیات دیگری شناسایی و بازداشت شدند. در بازرسی از مخفیگاه آنها تعدادی شوکر، قمه و چاقو و برخی اموال سرقتی کشف شد.



از شادی برگشتن به ایران نتوانستم بخوابم



زندن و ما را در جای دیگری زندانی کردند. کل این دو سال ما با دو غذای برنج و گندم و لوبیا گذشت. حتی نور هم نبود و با یک چراغ قوه مجبور بودیم غذا بخوریم. چون درو پنجره ها بسته بود، گرما به شدت آزارمان می‌داد.»

او ادامه می‌دهد: «به الشباب گفتیم مگر قرار نبود آزادمان کنید، گفتند نه هنوز باید تحقیق کنیم. این دو سال به اندازه ۲۰ سال گذشت و موهای مان سفید شد. می‌گفتند شما را می‌کشیم، اما شکنجه هم نکردند. دو ماه پیش بود که تلفن دادند و گفتند رنگ برنید به خانواده‌های تان که برای تان لنج بفرستند. گفتیم لنج ما همین لنج ارباب بود و لنج دیگری نداریم. بعد خانواده ما با سفارت تهران صحبت کرد و درخواست کمک کردند. بعد از هماهنگی‌ها، به ۴۰ روزی‌که در اختیار دولت بودیم، همه جور امکاناتی برایمان فراهم شد. برای ما گوشی گرفتند و توانستیم با زن و بچه‌مان تصویری و از طریق واتساپ صحبت کنیم. پسر کوچکم محمد وقتی اسیر شدم، شش ماهه بود. وقتی رنگ زدم تا با او صحبت کنم، گفت تو بابای من نیستی. گفتم پسرم، من پدرت هستم و اسیر بودم. تمام خانواده‌ام از خوشحالی گریه می‌کردند.

از دولت ایران تشکر می‌کنیم که به ما خیلی کمک کرد تا به ایران برگردیم. از شدت خوشحالی از فرودگاه تا اینجا نتوانستم بخوابم. در این دو ماه با صیادان اسیر لنج دیگر هم آشنا شدیم و با هم به ایران برگشتیم.»

بعد از دستگیری، گاهی چشم‌های مان را می‌بستند و در تاریکی شب برای بازجویی می‌بردند و سوال می‌کردند که چرا آمدید؟ حتی نمی‌دانستیم ما را به‌کجا می‌برند. گفتیم ما صیاد هستیم و ماهیگیری شغل ماست. لنج‌مان خراب شد و کسی نبود کمک کند. اگر در خشکی بودیم، کسی به دادمان می‌رسید، اما وسط دریا کسی نبود از او کمک بخواهیم.

ما سوم دستگیری مان بود که دست و پاهای مان را قفل و زنجیر

برش

استمداد چند باره از وزارت خارجه برای آزادی صیادان اسیر در موزامبیک

پس از آزادی ۱۴ صیاد ایرانی از بند الشباب، اما هنوز صیادان دیگری هم هستند که در اسارت به سر می‌برند و چشم انتظار کمک وزارت خارجه هستند. ۱۲ صیاد ایرانی‌که همگی اهل روستای «رمضان کنگ» شهرستان نیکشهر هستند، آذر سال ۹۸ برای سید ماهی عازم آب‌های بین‌المللی شدند. حدود سه هفته بعد تصاویر و فیلم‌هایی از چهره نگران ملوانان ولنجی سوزان در آتش در فضای مجازی منتشر شد که نشان می‌داد آنها توسط پلیس کشور موزامبیک اسیر شده‌اند. از سه سال پیش تاکنون خانواده این ۱۲ صیاد بارها از طریق روزنامه جام‌جم از وزارت خارجه درخواست کرده‌اند تا اقداماتی برای آزادی صیادان انجام دهد، اما مسئولان هنوز واکنشی به گزارش درخواست کمک خانواده این صیادان که چهار بار در روزنامه منتشر شده است، نشان نداده‌اند.
مهران غفوریان از بستگان صیادان در آخرین تماس خود به جام‌جم می‌گوید: «آنها چند ماه است با خانواده‌های خود تماس نگرفته و نگران سلامت‌شان هستیم. خانواده صیادان در مضیقه زندگی می‌کنند و به کمک آنها نیاز دارند. از وزارت خارجه می‌خواهیم همچون سایر صیادان، به صیادان ما هم در بازگشت به کشور کمک‌کنند.»



جام‌جم

حوادثINCIDENT

دوشنبه ۵ دی ۱۴۰۱ شماره ۶۳۹۱

کوتاه از حوادث

درخواست یک مادر برای اجرای حکم قصاص قاتل دخترش

خانواده دختر جوان که قربانی نقشه شوم کارگر ساختمانی شده بود، از قضات دادگاه درخواست کردند تفاضل دیه از بیت‌العمال پرداخت و حکم قصاص قاتل بعد از هشت سال اجرا شود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از زمستان سال ۹۳ و با گزارش قتل دختر ۳۲ ساله‌ای در خانه‌شان در محله فلاح آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد، خانواده سحر به مسافرتی کوتاه رفته بودند که بعد از بازگشت با جسد غرق در خون دخترشان روبه‌رو شدند. براساس گزارش پزشکی قانونی، دختر جوان پس از درگیری با قاتل با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده بود. با بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف محل جنایت مشخص شد، کارگر ساختمانی که در همسایگی محل جنایت کار می‌کرد، مرتکب این جنایت شده است. تحقیقات برای دستگیری قاتل آغاز شد و او قبل از فرار از کشور در مرز تایباد دستگیر شد.

متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: «وقتی فهمیدم دختر جوان در خانه تنهاست تصمیم به آزار او گرفته و وارد خانه‌شان شدم اما او مقاومت کرد که از ترس او را کتشم و فرار کردم.» متهم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد و قضات او را به قصاص محکوم کرده و این حکم در دیوان‌عالی کشور تایید شد. با گذشت هشت سال از جنایت به‌دلیل این‌که خانواده مقتول نتوانسته بودند تفاضل دیه را پرداخت کنند، اجرای آن متوقف شد. متهم در نامه‌ای به دادگاه خواستار تعیین وضعیت خود شد که به همین دلیل جلسه‌ای در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران تشکیل و به این درخواست رسیدگی شد.

در ابتدای این جلسه مادر مقتول گفت: «هشت سال از قتل دخترم گذشته و تنها با قصاص قاتل او آرام می‌شوم. قاتل زندگی‌ام را تباه کرد. وضع مالی‌ام خوب نیست و توان پرداخت دیه برای اجرای حکم را ندارم به همین دلیل درخواست می‌کنم تفاضل دیه از صندوق بیت‌المال پرداخت و حکم قصاص اجرا شود.» سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «قبول دارم مرتکب قتل شدم اما از این وضع خسته شده‌ام یا مرا زودتر اعدام کنید یا آزادم کنید تا به زندگی‌ام برسم.»

پس از این جلسه قضات وارد شور شده تا در این باره تصمیم‌گیری کنند. این در حالی است که بر اساس ماده ۴۲۸ قانون مجازات اسلامی در مواردی که مصلحت در اجرای حکم باشد یا قتل باعث جریحه‌دار شدن احساسات شده باشد، می‌توان تفاضل دیه را از بیت‌المال پرداخت کرد.

محاکمه مهماندار قطار به اتهام ۲ قتل

پرونده مهماندار اخراجی قطار که در پی کینه و انتقام، نامادری خود و مدیر یکی از شرکت‌های راه‌آهن را به قتل رسانده بود، برای محاکمه وی به دادگاه کیفری تهران ارسال شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، این مرد جوان پنجم دی سال گذشته مدیر یکی از شرکت‌های راه‌آهن و بعد از آن نامادری «سه‌ساله‌اش را با شلیک گلوله در تهران کشت. او در زندان در حالی به‌سر می‌برد که خانواده‌های دو مقتول برایش درخواست قصاص کردند. با گذشت نزدیک به یک‌سال از این ماجرا متهم برای آخرین جلسه تحقیقات بازپرسی نزد ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران منتقل شد و گفت: از روی خشم و عصبانیت آن دو را کتشم. مهماندار قطار تهران، یزد بودم و بعد از تعدیل نیرو اخراج شدم و نتوانستم طلب ۱۱ میلیون تومانی‌ام را از شرکت بگیرم. این مدیر را عامل همه بدبختی‌هایم می‌دانستم. دو ماه قبل از قتل سلاح خریده و منتظر اجرای نقشه‌ام بودم. چند روزی او را زیر نظر گرفتم تا این‌که روز آخر در محل کارش به کمین نشستم. او سمت پارکینگ راه‌آهن رفت تا با سوار شدن به خودرویش محل را ترک کند که نزدش رفته و با او جروبحث کردم و بعد چهار تیر به او شلیک کردم. بعد راهی خانه پدری شدم. با نامادری‌ام اختلاف داشتم. پول‌هایم را در بورس از دست داده بودم و او نمی‌گذاشت پدرم ۲۰۰ میلیون تومان به من پول بپردازد تا کسب‌وکاری جدید راه‌اندازی کنم. با آن زن درگیر شدم و او را با شلیک گلوله کشتم.

متهم با تجدید قرار قانونی روانه زندان شد. پرونده او به اتهام مباشرت در دو فقره قتل عمد با صدور جلب به دادرسی از سوی بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران برای محاکمه قاتل به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

یک کشته و ۲۱ مصدوم در آتش سوزی مجتمع

آتش سوزی ساختمانی در اهواز منجر به مرگ یک نفر و مصدومیت ۲۱ نفر دیگر شد. به گزارش مهر، ساعت ۱۸ و ۶ دقیقه صبح دوشنبه وقوع حریق در یک مجتمع مسکونی چهار طبقه هشت واحد در منطقه پاداد شهر اهواز به آتش‌نشانی و اورژانس گزارش شد. نیروهای امدادی به محل اعزام شدند. آتش‌نشنان در ادامه این عملیات توانستند شعله‌های آتش را خاموش کنند. در این حادثه یک زن ۳۵ ساله فوت کرد و ۲۱ نفر مصدوم شدند که بعد از اقدامات اولیه درمانی از سوی اورژانس به بیمارستان منتقل گردیدند. حادثه از پارکینگ آغاز و به سوختن پنج دستگاه خودرو در آنجا انجامید و پارکینگ هم به به شدت آسیب دید و تخریب شد.